



سرشناسنامه	۱۳۵۳ - درخشان، صدف،
عنوان و نام پدید آورنده	گزیده اشعار / صدف درخشان
مشخصات نشر	انتشارات آنان، تهران ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	۱۸۲ ص
شابک	۹۷۸۶۲۲۰۵۲۰۳۰۷۲-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	شعر فارسی-- قرن ۱۴ Persian poetry -- ۲۰th century
رده بندی کنگره	PIR۸۰۴۱
رده بندی دیویی	۸۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۹۲۴۹۰۹۲

## گزیده اشعار

### صدف درخشان

ناشر: آنان

طراح جلد: منیره رحیمی

عکاس: مهران نظری

صفحه آرا: عاتکه صفالو منزه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰۰۰ ریال

مدیر مسول: غلامرضا خدارحمی

ارتباط با ناشر:

تلفن: ۰۹۱۸۳۴۲۷۰۴۷\_۰۹۳۵۴۴۱۷۹۳۰

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

گزیده اشعار  
صدف درخشان

## نام و نشان سروده ها

۱۱	قطار.....
۱۲	فصل سرد.....
۱۴	روزنامه.....
۱۵	همت.....
۱۷	گرگ ها.....
۱۹	چگالی.....
۲۰	زن که باشی.....
۲۲	گندمزار.....
۲۳	ربنا.....
۲۴	ناخدا.....
۲۵	لطفا برایم کمی حافظ بخوان.....
۲۶	خشت به خشت.....
۲۷	کمد.....
۲۹	اگر می توانی مرد باش.....
۳۱	ارس.....
۳۲	مانکن ها پشت وپترین ها همیشه می خندند.....
۳۳	متولد تیر.....
۳۵	او.....
۳۶	نوح.....
۳۷	تلنگر.....
۳۸	گواتر.....
۴۰	اعتصاب.....
۴۱	به دریا می زند.....
۴۲	بالرین.....
۴۳	خلیج پارس.....
۴۴	بودا.....
۴۵	گذرنامه.....
۴۶	خیابان یک طرفه.....

## نام و نشان سروده ها

۴۷	خاک ها جانوران دریایی دارند
۴۹	شناسنامه اش فقط سه واژه دارد
۵۰	اما فقط یک زن
۵۲	اداره انگشت نگاری
۵۳	صدف ها مروارید اشک می ریزند
۵۴	زن ها همیشه کاغذهای خط خطی دارند
۵۶	پاییز
۵۷	اجاره نشین
۵۸	قسطنطنیه
۶۰	آلرژی
۶۲	ماهی ها سالهاست تشنه اند
۶۳	سنگ
۶۴	تهران
۶۶	چهل سال زن
۶۹	میعان
۷۰	چهارپایه
۷۱	پسران زیبا
۷۲	دریای سرخ
۷۴	کمپوت چشم
۷۶	دریاچه ارومیه
۷۷	این خیابان همیشه ولیعصر است
۷۹	از یک جایی ببعد
۸۱	برند
۸۴	موریانه ها
۸۵	راز بقا
۸۷	بهار
۸۹	ص
۹۱	سرزمین دودی
۹۳	علامت سوال
۹۴	کلاه

## نام و نشان سروده ها

۹۶.....	به مویی رسیدیم.....
۹۸.....	جزیره هرمز.....
۹۹.....	قرنطینه.....
۱۰۱.....	پناهنده.....
۱۰۲.....	مار.....
۱۰۳.....	مستعمره.....
۱۰۴.....	رسوب.....
۱۰۶.....	خار.....
۱۰۷.....	مزرعه شکر.....
۱۰۹.....	سطل آشغال.....
۱۱۱.....	مرده.....
۱۱۲.....	دالاهو.....
۱۱۴.....	کسوف.....
۱۱۵.....	عکس ها.....
۱۱۷.....	طاق نصرت.....
۱۱۸.....	کلاغ ها.....
۱۱۹.....	دوگانگی.....
۱۲۰.....	ببر چهل و چهارساله.....
۱۲۲.....	جایزه شعر زنان.....
۱۲۵.....	تماشاخانه.....
۱۲۷.....	حراج.....
۱۲۸.....	پاشویه.....
۱۳۰.....	چربی.....
۱۳۲.....	برگ ریزان.....
۱۳۴.....	شمیران.....
۱۳۶.....	شیراز.....
۱۳۹.....	وام.....
۱۴۱.....	دشمن من برادر من.....
۱۴۴.....	گوشواره.....
۱۴۵.....	زنی که نمی لرزد.....

## نام و نشان سروده ها

۱۴۶.....	گلّه ی اسب .....	
۱۴۸.....	شمعدانی .....	
۱۵۰.....	تقال .....	
۱۵۲.....	نخ .....	
۱۵۳.....	شانگهای .....	
۱۵۵.....	پیرمرد خنزرپنذری .....	
۱۵۷.....	داس .....	
۱۵۸.....	دل .....	
۱۵۹.....	ملی .....	
۱۶۰.....	غمباد .....	
۱۶۱.....	ترمه .....	
۱۶۲.....	اعداد .....	
۱۶۳.....	مرز .....	
۱۶۵.....	گزینه .....	
۱۶۷.....	پرندگان هرگز نمی میرند .....	
۱۶۸.....	اتوشویی .....	
۱۶۹.....	کوچک .....	
۱۷۱.....	یزد .....	
۱۷۲.....	رودخانه .....	
۱۷۴.....	گلوگاه .....	
۱۷۶.....	نمایش .....	
۱۷۷.....	خاورمیانه .....	
۱۷۹.....	درکه .....	

## معرفی مولف:

فعالیت فرهنگی صدف درخشان از سن ۸ سالگی با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۶۱ شروع شد وی دارای مدرک مهندسی شیمی و دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی است. کتاب‌هایی که از او چاپ شده شامل مجموعه "ریل‌ها دور برگردان ندارند" با مقدمه دکتر کیومرث منشی‌زاده که چاپ پنجم آن توسط نشر ایجاز منتشر شده و در بازار موجود است، مجموعه "صدف‌ها آبستن مروارید می‌شوند" از انتشارات فصل پنجم، مجموعه "چهل سال زن" از انتشارات فصل پنجم، مجموعه "مرد لاجوردی" از نشر مروارید و مجموعه "عبور از آینه" است که کتاب پژوهشی است با عنوان بررسی تطبیقی آنیما در اشعار احمد شاملو و نزار قبانی که منتخب سومین کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی است و به تازگی چاپ دوم این کتاب توسط نشر فصل پنجم منتشر شده است و کتاب "بیرها پلک نمی‌زنند" که این کتاب هم توسط نشر فصل پنجم عرضه شده است کتاب حاضر گزیده‌ای از شعرهای صدف درخشان به انضمام چند شعر جدید است. از وی مقالات متعددی در کنگره‌های بین‌المللی ارایه شده است که در سال نود به عنوان نویسنده و پژوهشگر منتخب تقدیر می‌شود. وی برگزیده سومین کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی است که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد و همچنین برگزیده پنجمین جشنواره هنری دانشجویی ققنوس است که در سال ۱۳۹۸ دانشگاه خوارزمی برگزار شد. در سال ۱۳۹۶ منتخب اولین کنگره ملی زنان موفق ایران می‌شود و برگزیده دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی در دانشگاه محقق اردبیلی است و نیز برگزیده اولین جشنواره دانشجویی شعرا می‌باشد.

کتاب‌های او در کتابخانه‌ی دانشگاه‌هایی چون استنفورد آمریکا و بریتیش کلمبیا کانادا ثبت شده است. کتاب ریل‌ها دوربرگردان ندارند در سال ۹۲ در خانه هنرمندان ایران توسط دکتر کیومرث منشی زاده مورد بررسی قرار گرفت. تاکنون کتاب‌های او توسط منتقدین و کارشناسان زیادی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. او سال‌ها جلسات شرح و تفسیر حافظ را در فرهنگ سراهای شمیرانات و شهریار دایر کرده است و هم‌چنین مدیر و موسس انجمن ادبی بامداد در منطقه شهریار و مدیر و موسس انجمن ادبی اوین در منطقه شمیرانات است.



« قطار »

امروز

تمام قطارهای باری از من عبور می کنند

ایستگاه به ایستگاه

روحم را به حراج می گذارند

و ریل ها

که آبستن دوری اند

در من نجوا می کنند

می دانی؟

ریل ها دور برگردان ندارند

کاش می شد خط را عوض کنند

«فصل سرد»

تقویم

فصل سردی را

برایم رقم می زند

فصلی که

تمام سلول هایم قندیل می بندد

آن قدر بر پشت بام من می بارد

که شب ها

مرد پارو به دست را خواب می بینم

این جا

انجماد

صدف ها را بنفش می کند

اما تو

مرد خواب های برفی ام

خورشید باش

تا ذره ذره

ذ

و

ب

کنی

تمامم را

«روزنامه»

روزنامه های شهر  
از جدایی خبر می دهند  
وقتی که علف های هرزه  
فاضلاب ها را  
در آغوش می گیرند  
و دور از چشم عابران  
همدیگر را می بوسند

این روزها تیترها هم دروغ می گویند

«همت»

از بالای این پل عابر  
همت چقدر مهمان دارد  
برج ها را ببین  
که برای معاشقه با خدا  
دست ها را  
تا کجا بالا برده اند  
دست فروش روی پل  
عطر تن معشوقش را بساط کرده  
و هی داد می زند  
" به خدا اصله "

ولی من دیگر این پل ها را دوست ندارم  
که پله های برقی اش  
دست های گرم را از من گرفته  
تمام خیابان های تهران را  
می گردم  
تا تنها پل عابری  
که با برق چشم های تو  
بالا می رود را  
پیدا کنم

«گرگ‌ها»

نرده ای کشیده ام  
که گرگ‌ها را  
به رودخانه ای تف می‌کند  
که هر شب آن جا چراغی روشن است  
حالا  
کنسرت زوزه ی گرگ‌هاست  
که می‌روند از بازار  
کیلو کیلو نقاب می‌خرند  
تا طعمه کنند و  
از تو ماهی بگیرند

اما من  
قلبم را به قلاب مردی سپردم  
که روحم را قاب گرفت  
و جسمم را به رودخانه برگرداند

فردا  
سیب‌ها  
از آن سوی نرده‌ها می‌خندند